

حضرت مهدی (عج) و آیین جدید

اشرف سادات نوعی باغبان
عضو حلقه علمی حکمت

چکیده: بر اساس برخی روایات مردم در هنگام ظهور امام زمان می‌پندارند که حضرتش دین و کتابی جدید آورده و بر اساس آن عمل می‌کند. با دقت در این روایات و برخی روایات دیگر می‌توان گفت که در طی زمان‌ها، بدعت‌ها و انحراف‌هایی در دین رخ داده است که با گذشت زمان بخشی از دین به‌شمار رفته‌اند. در هنگام ظهور وقتی حضرت اسلام راستین را ارائه می‌دهد، چنان است که گویا آئین جدیدی را آورده است. اما در واقع چنین نیست و حضرت مهدی (عج) نسخ‌کننده اسلام و احکام آن نیست، بلکه بیان‌کننده همان اسلام و قرآنی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سوی خداوند دریافت کرده است.

واژگان کلیدی: حضرت مهدی (عج)، بدعت در دین، خرافات، تأویل، دین اسلام.

طرح مسئله

ادیان در طول تاریخ به ویژه از سوی مفسران خودرأی دچار تحریف شده‌اند. ارسال پیامی پیامبران نیز برای این بوده است تا آموزه‌های پیامبران گذشته به دور از تحریف همواره در اختیار همگان قرار گیرد. هرچه ادیان الهی تکامل می‌یافته، شکل و محتوای تحریفات نیز پیچیده‌تر می‌شده است. از این‌رو می‌توان گفت که مشکلات امام مهدی (عج) از پیامبران و امامان گذشته بیشتر و دشوارتر خواهد بود. ایشان باید

تحریفات گوناگون زمان غیبت را که در اذهان مردم به عنوان حقایق دینی نقش بسته است، تصحیح کند و دیگر بار مردم غفلت زده را به راه اصیل دین که قرآن و عترت پیامبر ﷺ است بازگرداند و بدون هیچ گونه تقییه، به تفسیر قرآن بنشیند. آن گاه که امام مهدی (عج) به قرآن و سنت اصیل عمل نماید، مردم گمان خواهند کرد که دین جدیدی آورده شده است.

امام مهدی (عج) و آیین جدید

در برخی روایات آمده است که حضرت مهدی (عج) دین و احکام جدیدی را می آورد و احکام اسلام به دستش منسوخ می گردد. برای سنجش میزان درستی این سخن، نخست به چند روایت اشاره می گردد.

«عبدالله بن عطا عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سئلته عن سیرة المهدی کیف سیرته؟ قال: یصنع ما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله... یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله امر الجاهلیة و یستأنف الإسلام جدیداً...»^۱؛ عبدالله بن عطا می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، سیره و رفتار مهدی چگونه است؟ فرمود: همان کاری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد، او هم انجام می دهد... بدعت های موجود را بر می چیند آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله اساس جاهلیت را برچید، آن گاه اسلام را از نو بنا می کند...

«ابو خدیجه عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا خرج القائم جاء بأمر جدید، کما دعا رسول الله صلی الله علیه و آله فی بدء اسلام الی امر جدید»^۲؛ ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام روایت نمود که فرمود: «هنگامی که قائم ظهور کند، با امر جدیدی خواهد آمد؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام مردم را به امر جدید دعوت می کرد.»

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «اذا خرج القائم یقوم بأمر جدید و کتاب جدید و سنة جدیدة و قضاء جدید علی العرب شدید لیس شأنه الا القتل و لا یتبقی احداً و لا تأخذه فی الله لومة لائم»^۳؛ «هنگامی که قائم ظهور کند با امر جدید و کتاب و قضاوت تازه ظهور می نماید که بر عرب سخت است. کارش کشتار است و هیچ کس از کافران و ستمگران را باقی نمی گذارد. او در انجام وظیفه، از سرزنش و ملامت باک ندارد.»

در توضیح این روایات باید گفت که حضرت در هنگام ظهور، با هر کس بر اساس

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲. محمد بن حسن حرعاملی، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۷، ص ۱۱۰.

۳. همان، ص ۸۳.

آیین و دینی که دارد رفتار خواهد کرد. ایشان با رفتاری مهربانانه آنها را به پذیرش اسلام دعوت خواهد نمود. امام با اهل کتاب و مسیحیان برخورد‌های مختلف و به تناسب زمان خواهد داشت؛ با اهل کتاب به بحث و مناظره می‌پردازد و دین اسلام را بر یهود و نصاری و صابئین و کفار شِرق و غرب، عرضه می‌دارد و هر کس با میل و اختیار اسلام می‌آورد. افراد بسیاری از کافران با دیدن نشانه‌های راستی و حقانیت، به دین اسلام می‌گروند. در عین حال، دولت‌های باطل سقوط می‌کنند و دین اسلام به عنوان دین جهانی بر تمام ادیان غالب می‌گردد. حضرت در آخرین مرحله، با عنادورزان و دشمنان مبارزه می‌کند و هیچ‌کس از آنها را باقی نخواهد گذاشت و در این راه از سرزنش و ملامت هم باک ندارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آیه **﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾**^۱ « خداوند کسی است که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا اینکه او را بر همه ادیان غالب گرداند، گرچه مشرکین نخواهند»، فرمود: «این نخواهد شد تا اینکه هر یهودی، نصرانی و هر صاحب ملت دیگری به اسلام می‌گردد.»^۲

احادیث بسیاری بیان می‌دارند که سیره و رفتار امام مهدی (عج) همانند سیره و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و از دین و قرآنی که بر جدش نازل شده است دفاع می‌کند. ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یخرج رجل من اهل بیتی و یعمل بسنتی»^۳؛ «یکی از اهل بیت من قیام می‌کند و به سنت و روش من عمل می‌نماید.»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی دیگر فرمود: «و ان الثانی عشر من ولدی یغیب حتی لا یری و یأتی علی امتی بزمن لا یبقی من الاسلام الا اسمہ و لا یبقی من القرآن الا رسمه فحینئذ یأذن الله تبارک و تعالی بالخروج فیظهر الله الاسلام به و یجدده»^۴ «دوازدهمین فرزندم به گونه‌ای غائب می‌شود که دیده نمی‌شود. زمانی خواهد آمد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز اثری باقی نمانده است. در آن هنگام خدا به وی اجازه نهضت می‌دهد و به وسیله او اسلام را تقویت نموده و تجدید می‌کند.»

۱. توبه/۳۳؛ صف/۹.

۲. سید هاشم‌بن سلیمان بن اسماعیل بحرانی، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ص ۱۴۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۵، ص ۸۲.

۴. منتخب‌الاثار، ص ۹۸.

پیامبر ﷺ فرمود: «القائم من ولدی اسمه اسمی ؛ کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی یقیم الناس علی طاعتی و شریعتی و یدعوهم الی کتاب ربی»^۱؛ «قائم، از فرزندان من است، هم‌نام و هم‌کنیه من است، خوی وی، خوی من و رفتارش رفتار من است. مردم را بر اطاعت از من و دین من بر می‌خیزاند و به سوی قرآن دعوتشان می‌کند.»

نیز از رسول اکرم ﷺ نقل است که فرمود: «المهدی رجل من عترتی یقاتل علی سنتی کما قاتلت انا علی الوحی»^۲؛ «مهدی موعود (عج) مردی است از عترت من که برای سنت من جنگ می‌کند، آن‌گونه که من برای قرآن جنگ کردم.» این احادیث به صراحت، دلالت دارند که برنامه امام مهدی (عج) و رفتارش، ترویج و بسط اسلام و تجدید عظمت قرآن است و به منظور اجرای سنت‌های پیامبر اکرم مبارزه خواهد کرد.

در باره قیام حضرت مهدی، امام صادق علیه السلام فرمود: «إذا قام القائم سار بسیرة رسول الله الا أنه بین آثار محمد»^۳؛ «هنگامی که قائم قیام کند، به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار می‌کند؛ مگر اینکه آثار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را تفسیر و بیان می‌کند.»

در حدیثی دیگر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إن قائمنا إذا قام استقبل من جهل الناس اشد... اتی الناس و کلهم یتأول علیه کتاب الله و یحتج علیه به...»^۴؛ «هنگامی که قائم ما قیام کند، از سوی مردم با مشکلات و سختی‌هایی روبرو می‌شود...؛ زیرا مردم احکام خدا را بر ضد وی تأویل و تفسیر می‌کنند و بر اساس قرآن با وی احتجاج و مخاصمه می‌نمایند...». مردمی که با وی احتجاج و مخاصمه می‌کنند، ارکان و اصول مسلم اسلام را رها کرده و به ظواهر آن اکتفا نموده‌اند. آنان از اسلام، جز نماز و روزه و اجتناب از نجاسات چیزی نمی‌دانند! برخی از آنها، دین را در مسجد محصور کرده و حقیقت آن بر اعمال و حرکاتشان نفوذ ندارد. در کوچه و بازار، در خانه و خیابان، اثری از اسلام پیدا نیست! احکام و دستورات اجتماعی دین را از اسلام نمی‌دانند. صفات زشت در نظر آنان هیچ اهمیتی ندارد و به بهانه اینکه واجبات و محرّمات اختلافی هستند از زیر بار آنها شانه خالی می‌کنند. آنان محرّمات الهی را با حیل‌های گوناگون

۱. محمد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۷، ص ۵۲.

۲. سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، ینابیع المودة لذوی القربی، ج ۲، ص ۱۷۹.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

۴. سید هاشم بن سلیمان بن اسماعیل بحرانی، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ج ۷، ص ۸۶.

جایز می‌شمارند و از ادای حقوق واجب خودداری نموده به دلخواه خود احکام دین را تأویل می‌کنند. از قرآن، فقط به قرائت، تجوید و احترامات صوری اکتفا می‌نمایند. امام زمان (عج) به ایشان خواهد گفت که به‌جای این همه دقت که در قرائت و تجوید به عمل می‌آورید؛ چرا به احکام قرآن عمل نمی‌کنید؟ جدم امام حسین علیه السلام فقط برای گریه کشته نشد؛ چرا هدف جدم را گم و پایمال کرده‌اید؟ بدانید که خواندن و شنیدن مدح و مصیبت، جای خمس و زکات و دیون را نمی‌گیرد و گناه رباخواری، رشوه، و تقلب را نمی‌بخشاید و دود آتش عزای جدم اباعبدالله علیه السلام، جواب آه و ناله یتیمان، ستمدیدگان و بیوه‌زنان را نمی‌دهد. هان! با تأویلات و توجیهاات نادرست، رباخواری و غش را جایز می‌شمارید. با حیل‌های گوناگون از زیر بار واجبات شانه خالی نکنید. بدعت‌ها را از اسلام بزدائید. آری! چنین دین و برنامه‌ای، برای آن‌ها تازگی داشته، از آن وحشت می‌کنند و او را از اسلام خودشان دور می‌بینند.

آنان می‌پنداشتند که ترقی و عظمت اسلام به زینت کردن مساجد و مناره‌های بلند است. اگر امام بفرماید که عظمت اسلام در راست کرداری و امانت‌داری و وفای به عهد و اجتناب از حرام است، برایشان تازگی دارد. آنها گمان می‌کنند هنگامی که امام زمان (عج) ظهور کند، احکام عملی مسلمانان را تصحیح خواهد کرد و به اتفاق آنان در گوشه مسجد مشغول عبادت خواهد شد؛ اما وقتی مشاهده می‌کنند که امام زمان، مردم را به جهاد و امر به معروف و نهی از منکر دعوت می‌کند و نمازگزاران ستم‌پیشه را به قتل می‌رساند و اموالی را که از راه تعدی و رشوه‌خواری و ربا بدست آورده‌اند، به صاحبانش برمی‌گرداند و مانع زکات را گردن می‌زند و...، فکر می‌کنند که حضرت آیین جدیدی آورده است.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اذا قام القائم دعی الناس الاسلام جدیداً و هداهم الی امر قد دثر فضل عنه الجمهور و انما سمی القائم مهدیاً لانه هدی الی امر مزلول عنه و سمی بالقائم لقیامه بالحق»؛^۱ «وقتی قائم ما قیام کند، مردم را از نو، به سوی اسلام دعوت می‌نماید و بسوی چیز دیگری که کهنه شده و عموم مردم از آن به دور افتاده‌اند، هدایت می‌کند. آن جناب، مهدی نامیده شده؛ زیرا به آنچه مردم از آن دور شده‌اند هدایت می‌کند و قائم نامیده شده؛ چون برای پیداشتن حق قیام می‌کند.»
خلاصه آنکه بین تلقی ایشان از حضرت مهدی (عج) تا حضرت مهدی (عج) واقعی،

۱. ابی‌جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی صدوق، کشف‌الغمة، ج ۳، ص ۲۵۴؛ محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۳۴۳.

تفاوت از زمین تا آسمان است!

مبارزه با خرافات و بدعتها

حکومت حضرت مهدی (عج) بر گرفته از الگوی حکومتی پیامبر ﷺ است. حضرت در زمانی قیام می‌کند که جاهلیت دوم به رهبری ابرقدرت‌های شرق و غرب با قدرت تمام بر دنیا مسلط شده است. او مانند جدش بت‌شکنی می‌کند و آداب و رسوم جاهلی را نابود می‌سازد. در حدیثی از امام باقر علیه السلام سؤال شد که امام قائم (عج) به هنگام قیام به روش چه کسی عمل خواهد کرد؟ فرمود: «به همان سیره‌ای که پیامبر در بین مردم رفتار می‌کرد تا اسلام ظاهر شد.» راوی می‌پرسد که سیره پیامبر چگونه بود؟ حضرت می‌فرماید: «آنچه در عصر جاهلیت بود را باطل اعلام کرد و با عدالت به استقبال مردم شتافت.»^۱

البته تفاوت‌هایی هم در شرایط زمانی عصر جاهلیت دوم وجود دارد. در این باره امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آزاری که قائم به هنگام قیام خود از جاهلان آخرالزمان می‌بیند، بسی سخت‌تر از آزاری است که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم جاهلیت دید! پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی مبعوث شد که مردم سنگ و صخره و چوب و تخته‌های نرashedه شده را می‌پرستیدند ولی قائم ما که قیام کند، مردمان از کتاب خدا برای او دلیل می‌آورند و آیه‌های قرآن را تأویل و توجیه می‌کنند.»^۲

با توجه به سخن مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله که «ما اودی نبی مثل ما اودیت»^۳ «هیچ پیامبری مثل من (در راه تبلیغ رسالت الهی) آزار ندید»، عمق دشواری کار در دوران حکومت امام مهدی (عج) روشن می‌گردد. مشکل امام زمان (عج)، برخورد با توده‌های جاهل و نادانی است که با تحریک مدعیان دروغین دین‌داری، با امام برحق به ستیز بر می‌خیزند. موضوع درگیری نیز جلوگیری از حربه تأویل قرآن خواهد بود. از این رو گاهی در مورد دعوت آن حضرت به اسلام، تعبیر به «دین یا دعوت جدید» دیده می‌شود. مثلاً امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که مهدی (عج) قیام کند، مردم را به امر تازه‌ای دعوت می‌نماید، همان‌گونه که رسول خدا به امر تازه دعوت می‌کرد.»^۴

۱. ابی‌جعفر محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۵۱

۲. محمدبن ابراهیم بن جعفر نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۲۹۷.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۵۵

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

این سخن به معنای آن است که اسلام اصیل در آغاز ناشناخته بود، و پس از این هم به خاطر افزودن خرافات، ناشناخته می‌گردد و به وسیله حضرت مهدی (عج) دیگر بار معرفی خواهد شد. یکی از بدعت‌هایی که حضرت با آن به شدت مبارزه می‌کند، اسراف و تجمل‌گرایی‌هایی است که در مساجد و معابد صورت می‌گیرد.^۱ «چون امام مهدی (عج) درآید، هواپرستی را به خداپرستی بازگرداند، پس از آنکه خداپرستی را به هواپرستی بازگردانده باشند؛ رأی‌ها و نظرها و افکار را به قرآن بازگرداند، پس از آنکه قرآن را به رأی‌ها و نظرها و افکار خود، بازگردانده باشند...»^۲

تجدید دعوت به اسلام و قرآن

حضرت دو وظیفه مهم را بر عهده نارد: نخست دعوت دوباره مردم به اسلام و قرآن و دیگر نشر احکام و مسائل جدید در بین مردم. در این باره توضیح دو مطلب ضرورت دارد:

۱- فتنه‌ها و مشکلاتی که پس از پیامبر ﷺ تا زمان ما در بین مسلمانان به وجود آمده است، گاه از سوی خلفا و سلاطین بوده و گاه از ناحیه مدعیان مذاهب و فرق و داعیه‌داران جاه و مقام بوده است. ایشان با سنت‌های ساختگی‌شان باعث ایجاد مذاهب و فرقه‌های مختلف شدند، و الا اسلام بیش از یک دین و مذهب و آیین نبوده و نیست.^۳ طرفه آنکه با وجود این همه اختلاف‌ها و تعدد اسباب انحراف، افراد اندکی به آیات صریح قرآن کریم که اساسی‌ترین پایه اسلام است، عمل می‌کنند. قرآن برای بدئت گزاران ابزار تحریف و تأویل نادرست است.^۴

۲- پیامبر اکرم ﷺ احکام و سنت‌های الهی را برای رعایت حال مردم، به تدریج تبلیغ کرده است و معارف و حقایق و معانی دقیق قرآن را بازگو نکرده است؛ زیرا در آن زمان مردمانی بودند که عمری در جهل و جاهلیت به سر برده بودند و فهم آنها از درک معانی دقیق قاصر بود. بدین منظور حضرت تش نرمود: «نحن معاشر الأنبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم»^۵؛ «ما گروه پیامبران مأمور هستیم که با مردم، به اندازه عقل و

۱. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۴۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳. ر.ک: محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر، ص ۳۸۱.

۴. همان، ص ۳۸۲.

۵. محمدمین یعقوب کلینی رازی، اصول کافی، ج ۱، صص ۳۸ و ۳۹.

فهم ایشان سخن بگوییم.» از این رو پیامبر ﷺ پس از خود وصی تعیین کرد تا آنچه به خاطر فراهم نبودن شرایط گفته نشده است را باز گوید. بنابراین امیرالمؤمنین ﷺ را به جمع آوری قرآن بدون کمک دیگران امر فرمود.^۱ حضرت علی ﷺ از همه داناتر و آگاه‌تر به آیات و معانی و تأویل و تنزیل قرآن بود، آن گونه که خود فرمود: «هیچ آیه‌ای نیست مگر اینکه می‌دانم در شب نازل شده یا در روز، در حضر بوده یا در سفر، در کوه بوده یا در بیابان و هرگاه من در سفر بودم و آیه‌ای نازل می‌شد، پیامبر ﷺ به من می‌گفت و همهٔ تأویل و تنزیل را به من تعلیم می‌کرد.»^۲

بنابراین معنای وصی بودن امیرالمؤمنین ﷺ چیزی جز تدبیر امور مردم - که همان خلافت و حکومت است - نیست. وصی بیان کننده ناگفته‌های زمان پیامبر است.^۳ امیرالمؤمنین ﷺ نیز مانند پیامبر ﷺ، در اثر انحراف مردم و روی گرداندن از ایشان، امکان تبلیغ و تبیین پیدا نکرد و در چند سال خلافت نیز مشغول جنگ‌های داخلی و تأمین امنیت بود، به همین دلیل تغییر چندانی در حال مردم پیدا نشد تا استعداد فهم حقایق را پیدا کنند. همچنین اوصیای آن حضرت هر یک پس از دیگری در زمان خود، امکان اظهار حقایق را نداشتند. از این رو، بسیاری از حقایق و اموری که باید تبلیغ می‌شد، چه در حوزه احکام و چه درباره قرآن ناگفته ماند تا آنگاه که هنگام بیانشان در زمان ظهور فرا رسد.^۴

در این باره روایاتی نیز از معصومین ﷺ وجود دارد، از جمله این روایت که امام صادق ﷺ فرمود: «إذا قام القائم دعا الناس الى الاسلام جديداً و هداهم الى امر قد دثر و ضل عنه ...»^۵ «هرگاه قائم قیام کند، مردم را از نو به اسلام دعوت می‌کند و ایشان را به امری که پوشیده شده است و برای همین بیشتر مردم به گمراهی افتاده‌اند، راهنمایی می‌کند و ...» در این حدیث تصریح شده است که دعوت حضرت به اسلام است، ولی از نو، زیرا بسیاری از امور، در اثر بی‌مبالاتی یا تحریفات یا بدعت‌های اهل بدعت از مردم پنهان شده است. امام محمد باقر ﷺ نیز فرمود: «انجام می‌دهد آن گونه که پیامبر ﷺ انجام داده است، آنچه - از تحریف‌ها و بدعت‌ها - پیش از او

۱. محمدهادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. ابی‌منصور احمدبن علی بن ابی‌طالب طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۱.

۳. ر.ک: محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر، ص ۳۸۴.

۴. محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر، ص ۳۸۶.

۵. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۱، ح ۱۱۱۲.

بوده است را نابود می‌کند؛ چنان که پیامبر ﷺ مسائل جاهلی را نابود کرد و اسلام را از نو، از سر می‌گیرد»^۱ یعنی در اسلام اموری مانند امور جاهلیت به وجود آمده که او آنها را نابود می‌کند و دوباره اسلام را از نو بر مردم عرضه می‌کند.

ابوبصیر به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد، مرا به این گفته امیرالمؤمنین علیه السلام آگاه کن که فرمود: «ان الاسلام بدء غریباً و سيعود غریباً فطوبی للغریاء»؛ «اسلام در آغاز غریب بود و سپس غریب خواهد شد؛ پس خوشا به حال مسلمانان عصر غربت (که اسلام را نگه داشتند)».

در روایت دیگر امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «یستأنف الداعی مِمَّا دعاءً جدیداً کما دعا رسول الله ﷺ»؛^۲ «دعوت‌کننده ما دعوت را از سر می‌گیرد، دعوتی تازه و نو؛ آن گونه که پیامبر ﷺ دعوت کرد.» غربت اسلام در این دو حدیث چنان تفسیر شده که گویا از اسلام جز اندک چیزی باقی نمی‌ماند و آنچه نیز هست، مطابق با اسلام نیست. از این رو اسلام غریب است و چون حضرت قیام کند، مردم را به آن اسلامی که پیامبر ﷺ دعوت می‌کرد، دعوت خواهد کرد و دوباره اسلام و احکام و سنت‌های مرده را زنده خواهد نمود و تحریف و تغییر و تأویلات کتاب را محو خواهد ساخت و تأویلات و تنزیلات اصلی کتاب را رواج و نشر خواهد داد.

حضرت علاوه بر تجدید اسلام، کتاب‌های جدیدی را نیز ارائه خواهد فرمود. از جمله مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام که در آن شأن نزول و تأویل آیات از زبان ایشان بیان شده است و کتاب‌های دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام،^۳ نویسنده اثبات‌الهداة روایتی از عبدالملک بن اعین نقل می‌کند که گفت: حضرت باقر علیه السلام بعضی از کتاب‌های امیرالمؤمنین علیه السلام را به من نشان داد و فرمود: «این کتاب‌ها را امیرالمؤمنین علیه السلام برای چه نوشت؟ من گفتم این امر خیلی واضح است. فرمود: بگو! گفتم: آن حضرت می‌دانست که قائم شما روزی قیام خواهد کرد، پس خوش داشت که به اینها عمل کند.»^۴ از کتب دیگر که در دست حضرت است، صحیفه فاطمه علیه السلام و جفر اکبر است که به اینها عمل خواهد کرد.^۵ حضرت باقر علیه السلام به ابی حمزه ثمالی فرمود: «يقوم بأمر جدید و سنة جدیدة

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ح ۱۰۸.

۲. محمدبن ابراهیم بن جعفر نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۲۰.

۳. ر.ک: محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر، ص ۳۸۳.

۴. محمدبن حسن حرعاملی، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۳، صص ۵۲۰ و ۵۲۱.

۵. ابو جعفر محمدبن حسن قمی، بصائرالدرجات، صص ۱۷۰ و ۱۸۱، ب ۱۳.

و قضاء جدید علی العرب شدید لیس شانه الا القتل و لایستتیب احداً و لا تاخذہ فی اللہ لومۃ لائیم»^۱ «قیام خواهد کرد به امر تازه و سنت تازه و قضاوت تازه، بر عرب سخت خواهد بود، شأن او نیست جز کشتن و از احدی توبه طلب نکند و ملامت هیچ ملامت کننده‌ای او را در امر خدا نخواهد گرفت و باز نخواهد داشت.»

باید توجه کرد که در این روایات در مورد اینکه کتاب او ناسخ قرآن و سنت او ناسخ سنت است و با کتاب و دین تازه‌ای آورده چیزی گفته نشده است.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «لا تذهب الدنيا حتى یبعث الله رجلاً منا اهل البیت یعمل بکتاب الله»^۲ «دنیا به آخر نخواهد رسید تا اینکه خداوند برانگیزاند از ما اهل بیت، مردی را که عمل به کتاب خدا کند. یعنی برخلاف اینکه مردم عمل به او نمی‌کنند، نه اینکه فکر کنید این کتاب را به کلی نسخ می‌کند و کتاب دیگر می‌آورد.»^۳

حضرت و نسخ احکام

امام زمان (عج) شارع نیست و احکام اسلام را نسخ نمی‌کند. این سخن با روایات ذیل سازش ندارد:

«ابن تغلب: قال لی ابو عبد الله علیه السلام: دَمَان فی الاسلام حلال من الله لا یقتضی فیهما احد حتی یبعث الله قائمنا اهل البیت فاذا بعث الله قائمنا اهل البیت، حکم فیهما بحکم الله لایرید علیهما بینة الزانی المحصن یرجمه و مانع الزکوة ضرب عنقه»^۴ «حضرت صادق علیه السلام فرمود: دو خون در اسلام حلال است؛ اما احدی، حکم خدا را در مورد آنها جاری نمی‌سازد تا اینکه خداوند متعال، قائم اهل بیت را بفرستد و حکم خدا را بدون شاهد، در حق آنان جاری نماید؛ یکی راجع به مرد محصن زناکار است که سنگسارش کند و دیگری راجع به مانع زکوة است که گردنش را می‌زند.»

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «وقتی قائم آل محمد قیام کرد؛ همانند داوود و سلیمان بدون شاهد و گواه در بین مردم قضاوت خواهد کرد.»^۵

این گونه احادیث دلالت دارند که احکام اسلام بوسیله امام مهدی (عج) نسخ می‌شود

۱. محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۱۵۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، روضه کافی، ص ۳۰۲، ح ۵۹۷.

۳. ر.ک: محمد جواد خراسانی، مهدی منتظر، صص ۳۸۱-۳۹۰.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵.

۵. همان، ص ۳۲۰.

و احکام تازه‌ای اجرا می‌گردد. آری! ممکن است خداوند متعال، حکمی را به پیامبرش وحی کند و بگوید از این زمان تا زمان ظهور قائم، تو و مسلمانان باید به آن عمل کنید؛ اما دوازدهمین جانشین تو و پیروانش باید به حکم دیگری عمل نمایند. در این صورت نه حکمی نسخ شده است و نه حکم تازه‌ای به امام زمان (عج) وحی شده است؛ بلکه این احکام از ابتدا جزو احکام اسلامی بوده است، ولی زمان اجرای آن هنگام ظهور امام مهدی (عج) است.^۱

نتیجه

حضرت آیین و احکام جدیدی نمی‌آورد بلکه دین و کتاب او همان اسلام و قرآن پیامبر ﷺ است، با این تفاوت که حضرتش خرافات، بدعت‌ها و تحریفاتی که بعدها بر آنها افزوده شده است را می‌زداید و آنچه را عملی نشده به شکلی نیکو اجرا می‌کند.

منابع

۱. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمدبن علی (شیخ صدوق)، کشف‌الغمة، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳.
 ۲. بغدادی، محمدبن محمدبن نعمان (شیخ مفید)، لارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، علمیه اسلامیة، تهران، بی تا.
 ۳. حرعاملی، محمدبن حسن، ثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، چاپ سوم، علمیه، قم، ۱۴۰۴ق.
 ۴. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
 ۵. خراسانی، محمدجواد، مهدی منتظر، محقق سیدجواد میرشفیعی خوانساری، نورالاصفیاء، قم، ۱۳۸۲.
 ۶. سیدهاشم‌بن سلیمان بن اسماعیل بحرانی، لمحجة فیما نزل فی القائم الحجة، مؤسسه النعمان، بیروت ۱۴۱۳ق.
 ۷. طبرسی، ابی منصور احمدبن علی بن ابی طالب، لاحتجاج، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۱۰ق.
 ۸. طوسی، ابی جعفر محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵.
 ۹. قمی، ابوجعفر محمدبن حسن، بصائر الدرجات، اعلمی، تهران، ۱۳۷۴ق.
 ۱۰. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، بنابیع المودة لذوی القربی، اسوه، قم، ۱۴۱۶ق.
 ۱۱. کلینی رازی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، چاپ اول، اسوه، تهران، ۱۳۷۶.
 ۱۲. کلینی رازی، محمدبن یعقوب، روضة الکافی، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۱۱ق.
 ۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، حاز الانوار، موسسه وفا، بیروت، ۱۴۰۲ق.
۱. ابوالفضل هدایتی، زندگی و رهبری امام مهدی (عج)، ص ۲۷.

۱۴. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۶.
۱۵. مؤسسه فرهنگی انتظار نور، کفتمان مهدویت، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱.
۱۶. نعمانی، محمدبن ابراهیم بن جعفر، نجیبت نعمانی، مؤسسه علمی، بیروت ۱۴۰۲ق.
۱۷. هدایتی، ابوالفضل، زندگی و رهبری امام مهدی (عج)، شهریار، ۱۳۷۹.